



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ابو حسین

تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۲۵

آیا سیادت از مادر نیز می‌رسد؟ یعنی آیا کسی که مادرش سید است، خودش نیز سید و از نسل پیامبر اسلام (ص) محسوب می‌شود؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۷/۲

«سید» به معنای سرور و بزرگ مردم، لقبی است که در عرف از باب احترام بر آل هاشم اطلاق می‌شود و آنان کسانی هستند که از طرف پدر به هاشم بن عبد مناف جد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسند و صدقات مردم برای آنان حلال نیست و آنان آل علی بن ابی طالب، آل جعفر بن ابی طالب، آل عقیل بن ابی طالب، آل عباس بن عبد المطلب و آل حارث بن عبد المطلب هستند، هر چند امروزه بیشتر به آل علی بن ابی طالب شامل آل محمد بن علی بن ابی طالب و آل عباس بن علی بن ابی طالب و آل عمر بن علی بن ابی طالب و خصوصاً آل حسن بن علی بن ابی طالب و آل حسین بن علی بن ابی طالب انصراف دارد؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ﴾؛ «آنان را به پدرانشان منتسب کنید، آن نزد خداوند درست‌تر است».

با این حال، کسانی که از طرف مادر به هاشم می‌رسند نیز می‌توانند هاشمی محسوب شوند؛ به دلیل آنکه خداوند آفرینش انسان را تنها ناشی از پدر ندانسته، بلکه ناشی از پدر و مادر هر دو دانسته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾؛ «هان ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم» و در آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی أنعام، عیسی علیه السلام را از ذریه‌ی ابراهیم علیه السلام محسوب کرده، در حالی که او تنها از طریق مادر ابراهیمی بوده و این حجّتی است که اهل بیت علیهم السلام

۱. الأحزاب / ۵

۲. الحجرات / ۱۳

و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون بودند و بدین سان نیکوکاران را پاداش می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس < پدر عیسی چه کسی بود ای امیر المؤمنین؟ گفت: عیسی پدری نداشت! پس گفتم: او را تنها از طریق مریم علیها السلام به فرزندان انبیاء ملحق می‌کنیم و همین طور ما هم از طریق مادرمان فاطمه علیها السلام به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می‌شویم»، بلکه این حجتی مشهور در میان مسلمانان بوده؛ چنانکه به عنوان نمونه، از ابو جارود روایت شده است که گفت: «قَالَ [لِي] أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الْجَارُودِ! مَا يَقُولُونَ لَكُمْ فِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؟ قُلْتُ: يُنْكِرُونَ عَلَيْنَا أَنَّهُمَا ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: فَأَيَّ شَيْءٍ اخْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: اخْتَجَجْنَا عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى ﴾ فَجَعَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مِنْ ذُرِّيَّةِ نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»^۱؛ «ابو جعفر (باقر) علیه السلام به من فرمود: ای ابا جارود! درباره‌ی حسن و حسین علیهما السلام به شما چه می‌گویند؟ گفتم: بر ما انکار می‌کنند که آن دو پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشند، فرمود: شما با چه چیزی بر آنان احتجاج می‌کنید؟ گفتم: با سخن خداوند عز و جل درباره‌ی عیسی بن مریم علیه السلام بر آنان احتجاج می‌کنیم که فرموده است: <و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون بودند و بدین سان نیکوکاران را پاداش می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی > پس عیسی بن مریم را از فرزندان نوح علیه السلام دانسته است...» و از عاصم بن بهدلة و عبد الملك بن عمیر روایت شده است که گفتند: «اجْتَمَعُوا عِنْدَ الْحَجَّاجِ، فَذَكَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، فَقَالَ الْحَجَّاجُ: لَمْ يَكُنْ مِنْ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ يَحْيَى بْنُ يَعْمَرَ فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ! فَقَالَ: لَتَأْتِيَنِي عَلَى مَا قُلْتَ بَيِّنَةٌ وَمُصَدِّقٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ لَأَقْتُلَنَّكَ قَتْلًا، فَقَالَ: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى﴾ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ﴾ فَأَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ بِأَمِّهِ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِأَمِّهِ، قَالَ: صَدَقْتَ فَمَا حَمَلْتُكَ عَلَى تَكْذِيبِي فِي مَجْلِسِي؟! قَالَ: مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ لِيُبَيِّنَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُونَهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۲ قَالَ: فَتَنَاهُ إِلَى خُرَاسَانَ^۳؛ «نزد حجّاج گرد آمدند، پس حسین بن علی یاد شد، پس حجّاج گفت: او از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبود و یحیی بن یعمر نزد او بود، پس به او گفت: دروغ گفتی ای امیر! حجّاج گفت: باید بر چیزی که گفتی بیّنه و شاهی از کتاب خداوند عز و جلّ بیاوری وگرنه تو را خواهم کشت، پس گفت: <و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی > تا سخن خداوند عز و جلّ: <و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس > پس خداوند عز و جلّ خبر داده است که عیسی به واسطه‌ی مادرش

۱. الکافی للکلینی، ج ۸، ص ۳۱۷

۲. آل عمران / ۱۸۷

۳. الأمالی لابن بابویه، ص ۷۳۰؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۳، ص ۱۶۴؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۶، ص ۱۶۶



از فرزندان آدم بود و حسین بن علی هم به واسطه‌ی مادرش از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود، حجاج گفت: راست گفتی، ولی چه چیزی تو را واداشت که من را در مجلسم تکذیب کنی؟! گفت: پیمانی که خداوند از پیامبران گرفت که آن را برای مردم تبیین کنند و کتمان نکنند، خداوند عزّ وجلّ فرموده است: <پس آن را به پشت سر خود انداختند و به بهایی اندک فروختند> پس حجاج او را به خراسان تبعید کرد».

البته برخی در این استدلال اشکال کرده اند، با این تقریر که خداوند در ادامه از لوط علیه السلام نیز در میان فرزندان ابراهیم علیه السلام یاد کرده و فرموده است: **﴿وَأِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾**^۱؛ «و اسماعیل و یسع و یونس و لوط و همه را بر جهانیان برتری دادیم»، در حالی که لوط علیه السلام قطعاً از فرزندان ابراهیم علیه السلام نبوده و با این وصف، یاد کردن از او و عیسی علیهما السلام در میان فرزندان ابراهیم علیه السلام، از باب مجاز بوده است، ولی تردیدی نیست که اصل بر حقیقت است و جز به ضرورت از آن دست برداشته نمی شود و در اینجا ضرورتی وجود ندارد؛ چراکه مرجع ضمیر در **﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ﴾** می تواند ابراهیم علیه السلام نباشد، بلکه نوح علیه السلام باشد؛ با توجه به اینکه فرموده است: **﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ...﴾**^۲؛ «و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، همه را هدایت کردیم و نوح را از پیش هدایت کردیم و از فرزندان او...» و مرجع نزدیک تر به «او» نوح علیه السلام است و ضمیر همواره به مرجع نزدیک تر باز می گردد، مگر اینکه بازگشتش به آن غیر ممکن یا بر خلاف قرینه باشد و روشن است که این نتیجه‌ی استدلال را تغییر نمی دهد؛ چراکه عیسی علیه السلام پدری نداشت و تنها از طریق مادر به نوح علیه السلام می رسید و با این وصف، کسانی که از طریق مادر به هاشم می رسند نیز هاشمی محسوب می شوند و بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن صدقات مردم اجتناب کنند.



بانگاه اطلاع بر سبلان رفیع منصوب هاشمی خراسانی
محسن با حکم و برکت



۱. الانعام / ۸۶

۲. الانعام / ۸۴

www.alkhorasani.com

بانگاه اطلاع بر سبلان رفیع منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.